

روایت سانسور در دوران پهلوی

با بررسی تاریخ مطبوعات دوره پهلوی و مرور خاطرات روزنامه‌نگاران این مقطع می‌توان دریافت که موضوع سانسور و اختناق در مطبوعات بسیار پررنگ بوده است. روزنامه‌نگاران در لابه‌لای خاطراتشان به موضوع‌های متعددی اشاره کرده‌اند که یکی از آنها مسأله وجود سانسور در مطبوعات آن عصر است. در این زمینه گفته‌ها و نوشته‌ها فراوان است. یکی از مهم‌ترین اسناد تاریخی در این رابطه نامه جمعی از نویسندگان، شاعران، مترجمان و محققان در نامه‌ای سرگشاده خطاب به امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر وقت، در اعتراض به ایجاد محدودیت‌ها، فشارها و اعمال سانسور کتاب، مطبوعات و هرگونه آثار فکری، هنری و نیز سلب آزادی نویسندگان در روز ۲۴ خرداد ۱۳۵۶ قابل ذکر است که طی آن خواستار رفع محدودیت در عرصه‌های فرهنگ و هنر پیش رو ضمن نگاهي به این نامه به مناسبت این روز، به برخی مصادیق دیگر از سانسور در رژیم پهلوی اشاره خواهد شد:

■ **نامه سرگشاده نویسندگان به هویدا**

در اواخر بهمن ماه ۱۳۵۵ پنج نفر از نویسندگان (باقر پرهام، اسلام کاظمی، منوچهر هزارخانی، شمس آل احمد و علی اصغر حاج سید جواد) در صدد برآمدن نامه سرگشاده‌ای در اعتراض به اختناق سیاسی، اعمال سانسور و نتایج فرهنگی و اجتماعی آن بنویسند و با جمع‌آوری امضا از دیگر نویسندگان آن را برای هویدا بفرستند. به گفته باقر پرهام: «ما می‌خواستیم با این کار جامعه از نظر سیاسی بی‌اثر بشود. می‌خواستیم این را تشدید نکنیم» که بتوانیم کانون نویسندگان را دوباره تشکیل دهیم. در آن نامه که روز ۲۳ خرداد ۱۳۵۶– با پست سفارشی برای نخست‌وزیر و رونوشت آن برای روزنامه‌های رسمی سراسری و رادیو و تلویزیون ایران فرستاده شد و در روز ۲۴ خردادماه انتشار یافت، آمده است: آقای نخست وزیر، ما نسبت به وضعیت «فرهنگ ملی» و نگرانیم: «فرهنگ و خلاقیت فکری و هنری در جامعه ما دچار توقف و رکود شده است و حتی به جرأت می‌توان گفت که نشانه‌های بسیار نگران‌کننده ای از انحطاط فرهنگی نیز پیداست که ابعاد آن هر روز گسترده‌تر می‌شود». این وضع سه علت اصلی دارد: «محدود بودن شدید شرایط تفکر خلق و آزادانه»، «ضوابط شدید سانسور» و

به مناسبت سالروز نامه تاریخی جمعی از فعالان فرهنگی به رژیم پهلوی در اعتراض به سانسور مطبوعات و نشریات

روایت سانسور در دوران پهلوی

سانسور شده بودند؛ مثلاً در سال ۱۳۵۳ علی اصغر حاج سید جوادی در اعتراض به سانسور و جلوگیری از انتشار کتابش، بجران ارزش ها، نامه ای به هویدا نوشته بود که نتیجه ای نداشت. (۱)

■ **نشریاتی باصفحات کنده شده**

خاطرات پرویز ناتل خانلری، صاحب مجله ادبی و معروف سخن، ازجمله خاطراتی است که در آن به موضوع سانسور اشاره شده است. خانلری در خاطراتش ابتدا اشاره می‌کند که تقریباً از اوایل دهه پنجاه، آزار سانسورچی‌ها شروع شد. گویا چاپ برخی اشعار، شاکخ‌های وزارت اطلاعات آن زمان را حساس کرده بود. از جمله ترجمه شعری از شاعری لهستانی با عنوان «سوسیالیسم چیست»، همین‌طور شعری در رشای استادسی که ضامن صیانت (رئایتی که البته چندان آشکار نبود) و تقویت اصلی انگیزه‌ها و محرک‌های فرهنگی و خلاقیت فکری و رشد و بلوغ سیاسی و اجتماعی جامعه است مطلقاً داشت. بعد از اینها بود که دیگر وزارت اطلاعات، توزیع مجله سخن را پیش از بررسی و دادن مجوز، ممنوع کرد. به گفته خانلری، فهرستی سی و پنج نفره به دفتر نشریه سخن دادند، با این توضیح که آنها ممنوع‌القول هستند و حق ندارند چیزی بنویسند. یکی از افراد ممنوع‌القول دکتر محمدرضا باطنی، پدر علم زیاشناسی بود. خانلری با توجه به اینکه مقالات باطنی در حوزه زیانشناسی بودند و بعضی به مسائل سیاسی نداشتند، جساتی به خرج داد و باز هم از وی مقاله منتشر کرد ولی برخلاف تصورش به آن شماره اجازه انتشار داده نشد تا همه صفحاتی که مقاله در آنها بود، بریده و از مجله جدا شدند. یک بار آدم‌ها جریویحت فایده ندارد. گوش‌ی شد که این ترند هم از چشم ناظران دور نماند و دست‌اندرکاران سخن مجبور شدند این حرف را اسباب کنند تا اجازه

روایت سانسور در دوران پهلوی

انتشار به مجله داده شود. به نوشته خانلری سانسور سخن از آن به بعد، شدیدتر شد. به عنوان نمونه در یکی از شماره‌های این مجله شعری از مهدی اخوان‌ثالث به چاپ رسید که در یکی از مصرع‌های آن، کلمه انفجار به کار رفته بود. پاسخ خانلری چنین بود که «آخر خبر انفجار را که هر روز در روزنامه‌های رسمی می‌نویسند.» اما جواب قانع‌کننده‌ای دریافت نکرده بود. نمونه دیگری که خانلری از سانسور مجله سخن می‌گوید، به داستانی درباره یک دهقان مربوط می‌شود. دهقان این داستان که در کنار دریاچه هامون مزرعه داشت، به علت خشکی دریاچه، مزرعه را از دست داده و بدبخت شده بود. آن شماره مجله به سبب این داستان اجازه انتشار پیدا نکرد. خانلری برای جویا شدن دلیل این کار با وزیر اطلاعات تماس می‌گیرد. در این گفت‌وگو خانلری از وزیر می‌پرسد که نیامدن باران و خشک شدن دریاچه مربوط به سیاست داخلی است یا خارجی؟ استدلال خانلری این بود که خشک شدن آب دریاچه به علت نیامدن باران است و آن وقت مجله را به این علت توقیف کرده‌اند! وزیر، قول سیدگی داد و ساعتی بعد، مسئول امور مربوط به روزنامه‌ها در وزارت اطلاعات تماس گرفت و گفت، با وجود اصلاحات ارضی نباید نوشت که مزرعه‌ای خشک می‌شود! خانلری در مقابل گفت، اصلاحات ارضی که تعهد باران نکرده و در جواب هم شنید که به هر حال این‌جور مطالب به گوش خارجی‌ها می‌رسد و دستاویزی برای عیب‌جویی جز گوناگون آمدن نوبی برای این‌جور می‌افتاد، مطلب می‌نوشتند. محتوای فال‌ها اغلب درباره خوبی یا بدی مولدین هر ماه، امیدواری دادن به اتفاق‌های خوبی که در انتظار آنها بود

در این نامه آمده است: آقای نخست وزیر، ما نسبت به وضعیت «فرهنگ ملی» نگرانیم؛ «فرهنگ و خلاقیت فکری و هنری در جامعه ما دچار توقف و رکود شده است و حتی به جرأت می‌توان گفت که نشانه‌های بسیار نگران‌کننده‌ای از انحطاط فرهنگی نیز پیداست که ابعاد آن هر روز گسترده‌تر می‌شود». این وضع سه علت اصلی دارد: «محدود بودن شدید شرایط تفکر خلق و آزادانه»، «ضوابط شدید سانسور» و «محدودیت های شدیدی که در جهت مطالعه کتاب برای مردم اهل مطالعه، بخصوص جوانان و دانشجویان به وجود آمده است.»

■ **سانسور فال هفته**

علی بهزادی، صاحب مجله هفنگی سپید و سیاه هم در فرصت‌های مختلفی از سانسور و سانسورچی‌های دوره پهلوی سخن به میان آورده است. به عنوان نمونه در یکی از نوشته‌هایش می‌نویسد، در آن زمان رسم شده بود که مجلات، صفحه‌ای را به فال قهوه اختصاص می‌دادند. در این صفحات درباره خصوصیات اخلاقی مولدین ماه‌ها و حوادثی که مثلاً در آن هفته برای مولدین نوبی، برای آن ماه‌ها اتفاق می‌افتاد، مطلب می‌نوشتند. محتوای فال‌ها اغلب درباره خوبی یا بدی مولدین هر ماه، امیدواری دادن به اتفاق‌های خوبی که در انتظار آنها بود منتشر کردیم.» (۲)



عکس انصاف

نفر از آنها هم اشاره می‌کند. او در همان دوران، مجله‌ای با نام «مسائل جهان» منتشر می‌کرد که مجله‌ای تخصصی از اینها که احتمالاً عواقبی را به دنبال داشت، باعث شد که روزنامه‌نویس‌ها از آن پس، به همه مولدین آبان، تملق بگویند: «به این جهت می‌بینیم در بیشتر فالنامه‌های آن سال‌ها مولدین ماه آبان، هم خودشان خوب معرفی می‌شدند و هم حوادث خوبی برای‌شان اتفاق می‌افتاد.» (۳)

■ **دهه پنجاه: اوج سانسور پهلوی**

محمود طلوعی در کتاب بازیگران عصر پهلوی، جایی که صحبت از آزادی و سانسور مطبوعات می‌کند، از دیده‌های خودش هم در این زمینه می‌نویسد. طلوعی با اشاره به اینکه از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۶ عهده‌دار سردبیری مجله خواندنی‌ها بود، به دهه پنجاه اشاره می‌کند. به نوشته او سانسور مطبوعات در فاصله سال‌های ۱۳۵۳ (سال اعلام سیستم تک حزبی) و ۱۳۵۶ (سال اعلام فضای باز سیاسی) از هر زمان دیگری شدیدتر بود. در این دوران نه فقط مطالب روزنامه‌ها و مجلات به طور مستقیم توسط حکومت

■ **پی‌نوشت**

۱. تاریخ شفاهی هاروارد، مصاحبه ضیاء صدفی با علی اصغر حاج سید جوادی، اول مارس ۱۹۸۲، نوار شماره ۶.
۲. قافله‌سالار سخن: خانلری، تهران: البرز، ۱۳۷۰، ص ۴۹۹ تا ۴۷۱.
۳. علی بهزادی، «تملق در مطبوعات ایران»، ماهنامه گلک، شماره ۳۹، خرداد ۱۳۷۲، ص ۷۲ و ۷۳.
۴. محمود طلوعی، بازیگران عصر پهلوی: از فروغی تا فردوست، ج ۲، تهران: علم، ۱۳۷۲، ص ۷۹۲ تا ۷۹۶.



نیاید باعث شود که یک نیروی سیاسی خود را مرتبط با حشد بداند یا خود را نماینده آن اعلام کند. چرا که عرصه سیاست در عراق، مملو از فساد است و نیروهای سیاسی نیز، اگر نگوئیم همه، اکثریت‌شان بی‌اشتباه نیستند. پس این ارتباط همراه با عدم تکذیب قوی از طرف حشد باعث خواهد شد که اشتباه‌های این نیروها توسط غرض ورزان به حساب حشد نوشته شود.

کماکان برخی از نیروهای سیاسی غرض ورز تلاش دارند که بر حشد تسلط یابند تا آن را در کمترین حالت، به غرب و امریکا نزدیک کنند. برای مثال احمد الاسدی که زمانی سخنگوی حشد بود و اکنون سخنگوی ائتلاف فتح است، در گفت‌وویی تلویزیونی با شبکه‌العهد گفته بود که تمام نیروهای سیاسی در حشد را متمایل به نیروهای سیاسی خاصی می‌دانند، اما در حقیقت، به مثابه اعترافی به استمرار نفوذ نیروهای سیاسی در حشد است.

■ **مترقیه در حشد یا ایجاد حشد**
۲- مترقیه در حشد ایرانی، در سال ۱۴۰۰، تشکیلات جدیدی در عراق شکل گرفت که نام آن را حشد عتبات(حشد المرجعیه) نام نهادند.(این تشکیلات در گذشته بوده است اما از سال ۱۴۰۰ ظهور و بروز بیشتری داشت) بر این اساس دو رویکرد در حشد وجود دارد: در حشد گروهی هستند که به نام حشد

است که از جمله آن می‌توان به اعتراض طرفداران مقتدی صدر به فساد موجود در حاکمیت عراق اشاره کرد که موجب ایجاد بحران در عراق شد. از سوی دیگر باید به حشد آیت‌الله سیستانی

مبنی بر مبارزه با فساد و نیز تأکیدی که بر شاخصه ضدیت با فساد برای انتخاب کاندیدای اصلح در انتخابات سال ۲۰۱۴ داشتند اشاره داشت. به این ترتیب نمایندگی خواست مردم در نسبت با فساد رایج در حکومت می‌تواند از نقش‌هایی باشد که حشد‌الشعبی با ساختار منسجم خود آن را نمایندگی کند. این نمایندگی از طریق مختلفی قابل اعمال خواهد بود؛ اولاً ایجاد جریان رسانه‌ای ضدیت با فساد و مطرح کردن آن به‌عنوان یک خواست عمومی؛ ثانیاً ایجاد مجموعه‌های مردم نهاد با محوریت حشد؛ و نیز ایجاد زیرساخت‌های از ظرفیت افرادی از حشد‌الشعبی که در سطوح کلای حاکمیت دارای مسئولیت هستند برای اثرگذاری بر ایجاد رویکرد ضد فساد در مسئولان عراقی. طبیعی است که چنین اراده‌ای در حشد‌الشعبی، نیازمند میرا بودن خود از عرصه نیز از مواردی است که می‌توان به حشد‌الشعبی پیشنهاد حضور در آن را داد.

از قبیل تأمین امنیت مشاهد مشرفه، نظافت مسیرها و اطراف حرم ائمه، اسکان زائران و نیز ایجاد زیرساخت‌های برای ساماندهی زائران در ایام خاص مثل اربعین حسینی، عاشورای حسینی و مناسبت‌هایی که مکان‌های مقدس عراق پرازحرام می‌شوند، از موضوعاتی است که دولت از پس آن بخوبی برنیامده است، لذا حضور در این عرصه نیز از مواردی است که می‌توان به حشد‌الشعبی پیشنهاد حضور در آن را داد.

■ **نظامی:** هم اکنون حشد بعد از پایان خلافت خود خوانده داعش با هسته‌های خفته آن در حال نبرد است. در استان‌های الانبار، دیاله، صلاح‌الدین و موصل، حشد در حال مبارزه با داعش است. همچنین حشد‌الشعبی یکی از محورهای اصلی خروج نظامیان امریکایی از عراق است. در طول مدت اخیر امریکایی‌ها تمام سعی و تلاش خود را کرده‌اند که بتوانند حشد‌الشعبی را منحل کرده و آن را در ساختارهای نظامی و امنیتی دیگر عراق ادغام کنند. امریکایی‌ها همواره حشد‌الشعبی را به‌عنوان تهدید اصلی حضور خود در عراق می‌دانند. توطئه‌های مختلفی را علیه حشد‌الشعبی در طول مدت اخیر صورت داده‌اند.

۶- **امنیتی:** اکنون عراق با چالش‌های امنیتی مختلفی مواجه شده است. چالش‌هایی که همواره می‌تواند حیات این کشور را تهدید کند. مسأله خدمت‌رسانی به زائران عتبات عالیات،

۱۲۰ هزار نفر از آنها تخمین زده شده است.

■ **فعالیت‌های حشد‌الشعبی و بازنامایی رسانه آن**

تشکیل حشد‌الشعبی یکی از نقاط عطف تاریخی عراق معاصر است. امری که باعث شد عراق از بزرگترین بحران معاصر خود به سلامت عبور کند. حشد‌الشعبی در طول سال‌های گذشته توانسته است وضعیت خود را در عراق تثبیت کند و به‌عنوان عنصر اساسی در ثبات و امنیت عراق نقش ایفا کند. از این روی حشد توانسته است در زمینه‌های مختلف نقش آفرینی کند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱- **وحدت ملی:** با توجه به اینکه حشد‌الشعبی با محوریت نیروهای مردمی و فارغ از قومیت و مذهب شکل گرفته است و نیز گفته شهید ابومهدی المهندس، حدود یک چهارم تا یک سوم اعضای حشد از غیر شیعه و از قومیت‌های دیگر از جمله مسیحی‌ها، ایزدی‌ها و عشایر و غیره هستند و نیز تأکید آیت‌الله سیستانی بر جمعیت ملی عراق، مبنی بر حقوق یکسان همه مردم عراق با قومیت‌ها و مذاهب می‌توان الگوی حشد‌الشعبی را به‌عنوان یک نمونه موفق از اتحاد ملی مردم عراق در مسأله مبارزه با تروریسم تلقی کرد و آن را به دیگر مسائل و مشکلات عراق تسری داد، همچنان که آمار و اطلاعات نیز از محبوبیت عراقی‌ها محلی و مردمی به صورت کلی در عراق حکایت دارد و می‌توان از این سرمایه برای گسترش وحدت ملی در دیگر حوزه‌ها استفاده کرد.

۲- **مبارزه با فساد:** فساد اداری و مالی مقله‌های است که افشار مختلف مردم عراق از آن رنج می‌برند به نحوی که وزارت مالیه و اداره اقتصادی دولت عراق از مواردی چون فسادهای فردی و نظام ملی دفاع عراق زمینیه‌های رشوه، قاچاق کالا، افشای اسرار معاملات و قراردادها، غش در گمرک و غیره نام برده است. فساد در زمینیه‌های سیاسی، فرهنگی و غیره نیز از این موضوع مستثنی نیستند. مسأله فساد در عراق سبب ایجاد تنش‌هایی در افشار شیعه و سنی علیه حکومت شده

گزارش تحلیلی «ایران» به مناسبت هشتمین سالگرد تأسیس حشد‌الشعبی

فرصت‌ها و چالش‌های بسیج مردمی عراق

حشد‌الشعبی به نیروهای بسیج مردمی در عراق اشاره دارد که در واکنش به حملات داعش به مناطقی از عراق، تشکیل شد. در سال ۲۰۱۳ گروه داعش (دولت اسلامی عراق و شام) تأسیس شد. این گروه در ۹ ژوئن ۲۰۱۴ (۱۹ خرداد ۱۳۹۳) به شمال عراق حمله کرد و شهر موصل و برخی از مناطق این کشور را تصرف کرد پس از آن، اماکن اسلامی بویژه مساجد و آرامگاه‌های مقدس را تخریب کرد. در واکنش به فعالیت‌های خرابکارانه این گروه، حشد‌الشعبی شکل گرفت.

■ **پایه‌گذاری حشد‌الشعبی در عراق، سه مرحله داشته است:**

۱- **دستورنخست‌وزیر**

نوری مالکی نخست‌وزیر وقت عراق که فرماندهی نیروهای مسلح را نیز بر عهده داشت، طی حکمی فرمان تشکیل بسیج مردمی عراق برای روبرویی با تهدید داعش و جلوگیری از حمله به بغداد را صادر کرد. پس از این فرمان، نیروهای مردمی، بویژه با حضور کسانی که تجربه نظامی داشتند، شکل گرفت و به میدان جنگ با داعش روانه شد. وی همچنین در مصاحبه‌ای به الگو گرفتن از بسیج ایران در ساختار بسیج عراق تصریح کرده است.

۲- **فتوای آیت‌الله سیستانی**

سه ماه پس از شروع فعالیت حشد‌الشعبی، آیت‌الله سیستانی مرجع شیعه در نجف به موجب کفای جهاد، فتوا داد و از همه کسانی که توانایی جنگیدن داشتند، دعوت کرد در کنار نیروهای ارتش به مقابله با داعش بپردازند. این فتوا نیز بسزایی در ترغیب مردم به پیوستن به حشد‌الشعبی داشت و به آن، مشروعیت بخشید.

به گفته برخی پس از فتوای آیت‌الله سیستانی و تصمیم فرماندهانی که در جنگ ایران و عراق برضد صدام می‌جنگیدند و با حضور قاسم سلیمانی در منزل ابومهدی المهندس، حشد شکل گرفته و سازمان‌دهی می‌شود. «شیخ عبدالمهدی کرلیایی» نماینده آیت‌الله سیستانی مرجع عالیقدر شیعیان عراق در خطبه‌های نماز